



دوماهنامه علمی- پژوهشی

د، ۹، ش ۵ (پیاپی ۴۷)، آذر و دی ۱۳۹۷، صص ۱۴۳-۱۶۶

مقایسه قدرت دوشخصیت محوریِ رمان *آتش بدون دود* (با استفاده از «نظریه نابرابری قدرت در دیالوگ» فرکلاف و مدل مایکل شورت)

افسانه میری^۱، محمدجواد مهدوی^{۲*}، شهلا شریفی^۳، بهروز محمودی بختیاری^۴

۱. دانشجوی دکتری گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه فردوسی مشهد، ایران.
۲. استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه فردوسی مشهد، ایران.
۳. دانشیار گروه زبان شناسی همگانی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه فردوسی.
۴. دانشیار گروه هنرهای نمایشی، پردیس هنرهای زیبا، دانشگاه تهران، ایران.

پذیرش: ۹۷/۳/۱۲

دریافت: ۹۶/۱۰/۲۶

چکیده

در جستار پیش رو، سعی کرده‌ایم با توجه به نظریه «نابرابری قدرت در دیالوگ» فرکلاف، با بررسی دیالوگ‌های بین شخصیت‌های متضاد و هم‌تراز، در رمان *آتش بدون دود* نادر ابراهیمی، به شناخت شخصیت‌های قدرت‌مدار یا منفعل بپردازیم و از نگاه و جانب‌داری‌های ایدئولوژیک نویسنده رمز گشایی کنیم. برای نظم بیشتر این چارچوب نظری، از پرسش‌های مطرح‌شده در مدل پیشنهادی شورت (1996) برای شناخت قدرت در دیالوگ نیز استفاده شد، تا نوع روابط و نحوه تسلط قطب‌های شخصیتی داستان «گالان‌پهلوان متکی بر قدرت بدنی» و «آلنی قهرمان متکی بر قدرت فکر و اندیشه» تجزیه و تحلیل شود. تجزیه و تحلیل داده‌های بررسی‌شده، حاکی از آن است، نحوه برخورد دو شخصیت محوری رمان، در دیالوگ با دیگران، نسبت مستقیم با فراز و نشیب‌های دوران زندگی آنان دارد. دیالوگ‌های گالان با اطرافیانش به افراد خاصی محدود است و به‌مرور این دایره تنگ‌تر می‌شود و به‌همراه آن، از قدرت او نیز کاسته می‌شود و با مرگش، هژمونی زورگویی و تسلط قهری و اجباری او پایان می‌پذیرد. در حالی که، آلنی نه‌تنها با همه مردم به‌خصوص، زنان و اقشار طبقه پایین اجتماع وارد گفت‌وگو می‌شود؛ بلکه آنان را وادار می‌کند تا محور گفت‌وگو با اطرافیانشان قرار بگیرند. این عمل، باعث افزایش پذیرش مرام فکری و سیاسی او می‌شود و بعد از مرگش نیز تفکراتش در سخن و عمل نسل بعدی به‌سرعت تکثیر می‌شود.

واژه‌های کلیدی: نادر ابراهیمی، *آتش بدون دود*، نورمن فرکلاف، تحلیل انتقادی گفتمان، مایکل شورت، نوبت‌گیری.

۱. مقدمه

یکی از موضوعات مهم در شناخت شخصیت‌ها، گفت‌وگوهای آن‌هاست.^۱ کلامی که از سوی شخصیتی گفته می‌شود، علاوه بر نوع تفکر و جهان‌بینی، به موقعیت اجتماعی، فرهنگی و تأثیرپذیری یا تأثیرگذاری او نسبت به دیگران و حوادث اطرافش نیز اشاره دارد. داد و ستد کلام میان شخصیت‌ها به گفت‌وگو می‌انجامد که برساخته اجتماع است. «نظیر دیگر برساخته‌های اجتماعی، گفت‌وگو دارای ذات یا گوهری نیست که بتوان کشف کرد. این برساخته واجد کارکردهایی است که به وسیله کنشگران اجتماعی بدان اسناد داده و یا بر آن تحمیل می‌شود» (پایا، ۱۳۸۱: ۶۷).

ساده‌ترین تعریف از گفت‌وگو (دیالوگ) می‌تواند نوعی نوبت‌گیری در سخن گفتن بین دو یا چند نفر باشد.

رایج‌ترین رویکرد تحلیلی در مکالمه ... برقیاسی از عملکردهای اقتصاد بازار استوار است. در این بازار، کالای کمیابی به نام عرصه مکالمه وجود دارد که می‌توان آن‌را به‌منزله حق صحبت کردن دانست. در اختیار داشتن این کالای کمیاب در هر زمان نوبت نامیده شود (یول، ۱۳۸۷: ۹۵).

هر شخصیتی بنا بر بهره هوشی و موقعیت اجتماعی‌اش می‌تواند نحوه نوبت‌گیری در مکالمه را کنترل یا هدایت کند. استفاده درست از کلمات یکی از این ترفندهاست. برای شناخت هر شخصیت باید به‌طرز استفاده او از زبان جمعی، برای رسیدن به نتیجه مطلوب توجه کرد. اولین چیزی که در گفت‌وگو بین شخصیت‌های داستان توجه می‌شود، نوع کلمه و نحوه به‌کارگیری آن در موقعیت‌های مختلف با مقاصد خاص است. «در "نظریه کاربردی زبان" ویتگنشتاین، ... زبان مانند ابزاری برای مقاصد و کارهای مختلف به‌کار می‌رود. معنای واژه‌ها با توجه به مقاصد گویندگان و کاربردی که دارند، تعیین می‌شود» (سرل، ۱۳۸۵: ۲۳).

اگرچه نوع کاربرد کلمات در کنش افراد و حوادث تأثیر دارد؛ اما اینکه چه کسی، چگونه و در چه موقعیتی آن را بگوید مهم است. هر شخصیت، بنا بر مجوزهای مکتسب از موقعیت‌های اجتماعی‌اش، در نحوه و میزان سخن گفتن دیگران نیز دخالت می‌کند. دیالوگ‌ها علاوه بر معرفی شخصیت‌ها، قدرت آنان و عوامل قدرت‌زا را معرفی می‌کنند. نمی‌توان شخصیت داستان را از محیط اطرافش جدا کرد و سپس در مورد نحوه سخن گفتن و تسلطش بر دیگران، قضاوت کرد.

هر جزئی از سخن، نشانه‌ای است برای چیزهایی بیشتر از آنچه گفته می‌شود. معنای هر گفت‌وگو وابسته به مکان، زمان، افراد گوینده و نیت مشارکین و دانشی است که دارند. ... ارتباط اجتماعی با بافت آن تعامل پیوند دارد و فقط در آن بافت درک می‌شود (Attewell, 1974: 186).

با این تعاریف، می‌توان گفت که بهترین روش برای شناخت قدرت و موقعیت اجتماعی و فرهنگی هر شخصیت داستانی، این است بدانیم: ۱. چه نوع کلماتی را در دیالوگ با دیگران به کار می‌برد؟ ۲. نحوه استفاده از این کلمات در کنترل، ترغیب و تهدید دیگران برای پیشبرد اهداف خود چگونه است؟

سه مفهوم «انتقاد»، «قدرت» و «ایدئولوژی» در تمام رویکردهای تحلیل انتقادی وجود دارند که در شاخه‌های زبان‌شناسی و تحلیل به آن‌ها توجه نشده است (آقاگل‌زاده، ۱۳۸۸: ۱۵۷). بنابراین، یکی از بهترین ابزارها برای رسیدن به پاسخ این پرسش‌ها، استفاده از بحث «نابرابری نوبت‌گیری و تأثیر قدرت در دیالوگ» فرکلاف است.

در تحلیل پژوهش حاضر، از رویکرد کمی و کیفی استفاده شده است و داده‌ها در بستر ظهورشان و با عوامل اثرگذار دیگر بررسی می‌شوند. بنابراین، پس از مطالعه منابع مرتبط با تحلیل انتقادی گفتمان فرکلاف، در زمینه نابرابری نوبت‌گیری در دیالوگ، با خوانش متن رمان *آتش بدون دود*، داده‌ها را بر اساس پیشنهاد فرکلاف و همچنین پرسش‌های تکمیلی مایکل-شورت دسته‌بندی می‌کنیم تا با تفسیر و تبیین آن‌ها به میزان و نوع قدرت در بیان و هدایت سخن در دیالوگ‌ها برسیم و قدرت برتر، مانا تر و علل این ماندگاری را بیابیم.

۲. پیشینه تحقیق

تاکنون پژوهش‌های زیادی با رویکرد تحلیل انتقادی گفتمان فرکلاف روی رمان‌ها انجام شده است؛ ولی هیچ جستاری، اختصاصاً به بررسی نابرابری قدرت در دیالوگ شخصیت‌های یک رمان نپرداخته است.

پژوهش‌هایی که روی متون داستانی، با رویکرد تحلیل انتقادی گفتمان فرکلاف، دیدگاه‌های ایدئولوژیک نویسندگان و دیدگاه‌های سیاسی و اجتماعی آنان را بررسی کرده‌اند، تنها در محدوده تقسیم‌بندی اول و دوم سطح توصیف، یعنی سطح واژگان و سطح نحوی، پژوهش کرده‌اند و به سطح ساختار متن و قراردادهای تعاملی بین مشارکین نپرداخته‌اند. همچنین،

پژوهش‌های زیادی با محوریت رمان حاضر انجام شده‌اند؛ اما بررسی با رویکرد تحلیل گفتمان و پژوهشی که مستقیماً دیالوگ شخصیت‌ها را برای رسیدن به قدرت برتر رمان تحلیل کند، وجود ندارد.

چند پژوهش بر روی متون داستانی با استفاده از رویکرد تحلیل گفتمان انتقادی در سال‌های اخیر عبارت‌اند از: قبادی و همکاران (۱۳۸۸)، «تحلیل گفتمان غالب در رمان "سوشون" سیمین دانشور»؛ قاسم‌زاده و و گرجی (۱۳۹۰)، «تحلیل گفتمان انتقادی رمان "دکتر نون زنش را بیشتر از مصدق دوست داشت"؛ قبادی و آقاگل‌زاده (۱۳۹۰)، «تحلیل گفتمانی جزیره سرگردانی و پیوند معنایی آن با دیگر رمان‌های سیمین دانشور»؛ گرجی (۱۳۹۱)، «نخستین داستان سیاسی پس از انقلاب اسلامی: بررسی و تحلیل گفتمان داستان "سلول ۱۸" از علی‌اشرف درویشیان»؛ بهبهانی و همکاران (۱۳۹۲)، «بررسی و تحلیل انتقادی گفتمان رمان "سگ و زمستان بلند"؛ احمدی و همکاران (۱۳۹۳)، «تحلیل گفتمان سیاسی رمان "تنگسیر" صادق چوبک» و قربانی جویباری (۱۳۹۴)، «بازنمود هویت زنانه در مجموعه داستان "حتی وقتی می‌خندیم" فریبا وفی با رویکرد تحلیل انتقادی گفتمان فرکلاف». چنان‌که گفتیم این آثار تنها به تحلیل متون داستانی در سطح اول و دوم توصیف پرداخته‌اند.

آثاری که بنا بر نظریه گفتمان انتقادی فرکلاف یا مدل مایکل شورت به بررسی قدرت در دیالوگ پرداخته‌اند عبارت‌اند از: محمودی بختیاری و حکمت (۱۳۹۱)، «برآیند قدرت شخصیت در نمایشنامه (با تکیه بر سنجش قواعد نوبت‌گیری در نمایشنامه "وای بر مغلوب")»؛ محمودی بختیاری (۱۳۹۱)، «بررسی نوبت‌گیری و کنش‌های گفتاری در نمایشنامه "آهسته با گل سرخ" با تکیه بر مطالعات سبک‌شناسی درام». این دو مقاله سعی کرده‌اند نحوه اعمال قدرت شخصیت‌های مورد بررسی را بر اطرافیان، بر اساس نوع دیالوگ‌ها و در چارچوب ارائه‌شده شورت (۱۹۹۶) تحلیل کنند که شکل کامل شده‌ای از چارچوب نظری فرکلاف در زمینه نابرابری نوبت‌گیری در دیالوگ است. البته، متونی که این دو مقاله بررسی کرده‌اند، نمایشنامه‌اند و تا-کنون پژوهشی با این رویکرد روی رمان انجام نگرفته است.

۳. چارچوب نظری پژوهش

تحلیل و بررسی ادبیات سیاسی معاصر، به‌خصوص متون داستانی در دهه‌های اخیر، با تحلیل انتقادی گفتمان پیوند خورده است و منتقدان سعی کرده‌اند با استفاده از این رویکرد، روابط قدرت را در داخل متن بیابند و در این راستا، به‌نوع قدرت سیاسی حاکم و ایدئولوژی نویسنده پی ببرند؛ به‌خصوص که به‌سبب ملاحظات سیاسی، نویسنده به‌کمک شگردهای هنری، مسائل سیاسی و انتقادی را در لایه‌های زیرین اثر مطرح می‌کند (پارسی‌نژاد، ۱۳۸۷: ۱۳۶). رویکرد فرکلاف یکی از روشمندترین رویکردهای انتقادی است که به تعبیر خودش، مطالعه انتقادی زبان نام دارد.^۴

فرکلاف پیرو تحلیل زبانی نظام‌مند است و همواره می‌توان با استفاده از جعبه ابزار او راهی برای تحلیل شروع کرد. همچنین با استفاده از این ابزارها می‌توان ویژگی‌هایی را در متن‌ها پیدا کرد که با قرائت عادی نادیده می‌مانند (یورگنسن، ۱۳۸۹: ۲۳۷). فرکلاف با توجه به رابطه دیالکتیکی که بین ساختارهای خرد گفتمان (ویژگی‌های زبان‌شناختی)، با ساختارهای کلان گفتمان (ایدئولوژی و ساختارهای اجتماعی) قائل است، بر این نکته تأکید می‌ورزد که ممکن است ساختارهای کلان جامعه، ساختارهای گفتمان خرد را تعیین کنند. ساختارهای گفتمانی نیز به نوبه خود ساختارهای ایدئولوژیک و گفتمانی را بازتولید می‌کنند (آقاگل‌زاده، ۱۳۹۰: ۱۵۱).

یکی از مترجمان کتاب *تحلیل انتقادی گفتمان* فرکلاف، در مقدمه، چکیده‌ای از نظریات او را در مورد رویکردهای انتقادی این‌گونه بیان می‌کند:

به نظر نویسنده ... تحلیل انتقادی در بررسی پدیده‌های زبانی و اعمال گفتمانی به فرایندهای ایدئولوژیک در گفتمان، روابط بین زبان و قدرت، ایدئولوژی زور، قدرت، سلطه و نابرابری در گفتمان توجه کرده و عناصر زبانی و غیر زبانی را به‌همراه دانش زمینه‌ای کنشگران هدف و موضوع مطالعه خود قرار می‌دهد (فرکلاف، ۱۳۷۹: ۱۲).

فرکلاف، گفتمان را مجموعه به‌هم تافته‌ای از سه عنصر عمل اجتماعی، عمل گفتمانی (تولید، توزیع و مصرف متن) و متن می‌داند، و تحلیل یک گفتمان خاص، تحلیل هر یک از این سه بُعد و روابط میان آن‌هاست، با این فرض که پیوندی معنا دار میان ویژگی‌های خاص متون، شیوه‌هایی که متون با یکدیگر پیوند می‌یابند و تعبیر می‌شوند و ماهیت عمل اجتماعی آن‌ها وجود دارد. در

همین واری اولیة مفهوم گفتمان، ما با سه بعد اصلی روبه‌رو می‌شویم: الف. کاربرد زبان، ب. برقراری ارتباط میان باورها، ج. تعامل در موقعیت‌های اجتماعی (میرفخرایی، ۱۳۸۳: ۸-۹).
 فرکلاف تحلیل متن را در سه سطح واژگان، ساختارهای نحوی و ساختار متن^۵ انجام می‌دهد. بر این اساس در سطح واژگان، سطح دستور و ساختارهای متنی چند پرسش دیگر مطرح می‌شود که ارزش‌های بیانی، تجربی و رابطه‌ای و قراردادهای تعاملی و ساختار متن را بررسی می‌کند (فرکلاف، ۱۳۷۹: ۱۷۰-۱۷۱).

او در ادامه تحلیل متن، به بررسی و نقد نظام نوبت‌گیری در مشارکان یک گفت‌وگو می‌پردازد و اداره کردن گفت‌وگو را وابسته به روابط قدرت بین مشارکان در مکالمه می‌داند. فرکلاف حق نوبت‌گیری را بین افراد غیر هم‌تراز، نابرابر می‌داند و پرسشی که در مورد قراردادهای تعاملی مطرح می‌کند، این است که آیا روش‌هایی وجود دارند که با آن‌ها مشارک نوبت سخن گفتن دیگران را کنترل کند (فرکلاف، ۱۳۷۹: ۲۰۴).

فرکلاف در نقد نظریه «قواعد مکالمه گرایس^۶» با توجه به اینکه، توجهی به قدرت در نوبت‌گیری نشده است می‌گوید:

فکر می‌کنم روشن باشد وقتی که گرایس اصول مشارکت زبانی و قواعد آن‌را در مقاله سال ۱۹۷۵ خود تدوین می‌کرد، به تعامل بین اشخاصی می‌اندیشید که قادرند در تعامل سهمی برابر داشته باشند که باید معنای ضمنی تکیه او بر مبادله اطلاعات دانست؛ اما برای آنکه اشخاص در تعامل جایگاه برابر داشته باشند، احتمالاً به معنی آن خواهد بود که حقوق و وظایف گفتمانی و کاربردی آنان برابر باشد. مثلاً حقوق یکسان در نوبت‌گیری در مکالمه و وظایف مساوی در پرهیز از سکوت و بریدن صحبت یکدیگر و حقوق برابر در استفاده از کنش‌های غیر زبانی الزام-آور و وظایف یکسان در پاسخ گفتن که برخوردار از جایگاه‌های برابر و قدرت برابر در تعیین مفاهیمی است که در اصول گرایس مفروض تلقی شده‌اند (۱۳۷۹: ۵۸-۵۹).

الگوی تحلیل گفتمانی فرکلاف، نشئت‌گرفته از تعامل^۷ میان قدرت و زبان است. چارچوب نظری فرکلاف، حاوی مفاهیم متنوعی است که به فراخور هدف تحقیق می‌توان از آن‌ها استفاده کرد که در آن میان، مفاهیم رخداد ارتباطی و نظم گفتمانی، مفاهیم کلیدی نظریه وی هستند (آقاگل‌زاده، ۱۳۹۵: ۳۹۶).

فرکلاف (1989: 45) در فصل سوم کتابش^۸، به تبیین نظر خود در مورد قواعد حاکم بر

نوبت‌گیری در مکالمه نابرابر می‌پردازد. او شگردهای مشارک قدرتمند برای در اختیار گرفتن نوع و مدت دیالوگ را آغازگری سخن، قطع صحبت دیگران، اجبار به شفاف سخن گفتن، کنترل موضوع و صورت‌بندی بیان می‌کند تا به نحوه قدرت و تسلط یکی از مشارکان بر دیگری دست یابد.

مایکل‌شورت در سال ۱۹۹۶ به طرح مسئله نحوه شناخت قدرت سخن‌گو در ارتباط کلامی پرداخت و با گسترش نظریه فرکلاف، در زمینه نوبت‌گیری، به چارچوبی منطقی و عملی دست یافت. وی در کتاب خود، به نکاتی برای شناخت میزان قدرت هر یک از شخصیت‌ها در ارتباطات کلامی اشاره می‌کند:

۱. چه کسی بیشترین سهم دیالوگ‌ها را به خود اختصاص داده است؟ ۲. چه کسی طولانی‌ترین دیالوگ‌ها را دارد؟ ۳. چه کسی اولین دیالوگ را به‌کار می‌برد؟ (بیشترین پرسش‌گری) ۴. چه کسی موضوع اصلی دیالوگ را کنترل می‌کند؟ ۵. چه کسی به بحث و دیالوگ خاتمه می‌دهد؟ ۶. نوبت‌دهی دیالوگ‌ها در دست کیست؟ ۷. چه کسی در خطاب با دیگری، خود را ملزم به رعایت عنوان مؤدبانه نمی‌کند؟ (Short, 1996: 205).

۴. تحلیل داده‌ها

دیالوگ گالان و آلنی با اطرافیان‌شان به دو دسته تقسیم می‌شود: موافقان و مخالفان. گروه هم‌فکران و جوانان سنت‌شکن و همچنین گروه مخالف، پیران سنت‌گرا و خرافی هستند.

۴-۱. دیالوگ گالان با گفتمان‌های موافق و مخالف

گالان شخصیت دورانی است که با زور بازو حرف اول را می‌زند، منطق حاکم بر دیالوگ‌های او زورگویی است. گالان در جلد اول، یعنی از ابتدای ورودش به داستان تا زمان مرگش، ۹۱ بار با دیگران وارد مکالمه شد که ۵۶ بار (۶۱ درصد) آغازگر گفت‌وگو بوده است و ۹۰ درصد این دیالوگ‌ها به‌خواست او خاتمه یافته است.

۴-۱-۱. سنت شکن‌ها (هم‌فکران گالان)

۴-۱-۱-۱. گروه دوستان و جوانان سنت‌شکن

گالان جوانی جنگجو و قدرت‌طلب است و بر جوانان تسلط دارد و جنگ‌ها با فرمان او صورت می‌پذیرد. گالان در بین جوانان، بیشترین دیالوگ را با بویان‌میش دارد که گالان را از مرگ نجات می‌دهد و به‌عنوان ناجی و دوست صمیمی‌اش می‌تواند صدایش را بلند کند و از او ایراد بگیرد. ۲۱ بار بین آن‌ها ارتباط کلامی ایجاد می‌شود که آغازگر ۶۳ درصد آن بویان‌میش بوده، درحالی‌که گالان آغازگر ۷۸ درصد از دیالوگ‌هایش با دیگران بوده است.

نقض ادب در دیالوگ با دوستش، بیانگر موقعیت اجتماعی برتر گالان است. ۷۰ درصد نقض ادب از سوی گالان و ۳۰ درصد از سوی دوستش صورت می‌گیرد. البته، گویی اجازه کلی و نانوشته برای بویان‌میش صادر شده است که بدون حضور شخص ثالث می‌تواند هرچه می‌خواهد بگوید: «بویان! من عاقبت یک‌روز با دست‌های خودم خفه‌ات می‌کنم. اگر بخواهی خفه کنی، باید با دست‌های خودت بکنی. مرد! آدم با دست‌های دیگری که نمی‌تواند کسی را خفه کند» (ابراهیمی، ۱۳۷۵: ۱ / ۱۸۷).

۴-۱-۲. گروه زنان سرکش و سنت‌شکن

بعد از بویان‌میش، گالان بیشترین دیالوگ را با سولماز داشته است که در ۱۹ بار ارتباط کلامی، ۱۵ بار آن‌را گالان آغازگر بوده است و ۷۸ درصد از طولانی‌ترین دیالوگ‌ها متعلق به گالان است؛ ولی در خاتمه دادن به بحث و بیان آخرین جمله تقریباً یکسان عمل شده است (گالان ۱۰ بار و سولماز ۹ بار).

در مورد عدم رعایت احترام، آن چیزی که تأمل‌کردنی است، خطاب قراردادن نام یکدیگر با نسبت‌های خشک و رسمی یا بی‌ادبانه است که در رابطه احساسی بین آن‌ها غیرمتعارف است. گالان در جمع، همسرش را «دختر بیوک اوچی» و «زن گوگلانی» می‌خواند و بعد از مادر شدنش نیز او را «مادر آق‌اولیر» می‌نامد که این خطاب‌ها قدرت و تسلط او را بر جنس مخالف نشان می‌دهد. «آهای گوگلانی!»، «شرم نداری دختر بیوک اوچی؟»، «آهای مادر آق‌اولیر!»، «ای گوگلانی بی‌حیا» و در ۱۵ باری که گالان سولماز را خطاب کرده، ۸ بار آن با بی‌احترامی همراه بوده است؛ اما «پسر یازی اوچا» و «گالان اوچا» فقط دو لقبی است که سولماز موقع

عصبانیت برای گالان به کار می‌برد و بیشتر در پاسخ خطاب‌های سخت و خشن گالان بود و دویاری که بی‌مقدمه همسرش را با این القاب خطاب کرد، زمانی بود که اسلحه را به سوی گالان نشانه رفته بود.^{۱۰}

طبق سنت قبیله، زن نقشی اساسی در زندگی اجتماعی ندارد. سولماز سنت‌شکنی می‌کند و گالان از یاغی‌گری سولماز لذت می‌برد؛ ولی به علت تربیت اجتماع بدوی، در برابر همین سنت‌شکنی‌ها عکس‌العمل منفی نشان می‌دهد:

جامه، یکپارچه بر بدن سولمازی‌اش چسبیده بود و کودکان ابری یوغوز را به نگرستنی پنهان‌کارانه از پس چادرها و می‌داشت گالان، چون ... سولماز را آن‌گونه دید که برهنگی را تجسم می‌بخشید، لب برچید، شرم نداری دختر بیوک اوچی؟ شرم را از تو یاد می‌گیرم پسر یازی اوجا! پرچم غیرت یموت‌ها در دست توست. نیست؟ (همان: ۱ / ۶۷).

در طول داستانی که هیچ زنی جز سولماز نقش‌آفرینی نمی‌کند، آغاز کردن کلام از سوی گالان طبیعی است و بیانگر قدرتی است که از قانون نانوشته قبیله نشئت می‌گیرد. او که در ابتدای راه سنت‌شکنی و تمدن‌سازی است، آغاز کردن سخن را در برابر جنس مخالف طبق رسم گذشتگان انجام می‌دهد؛ ولی پایان دادن به آن را به رسم دلدادگان می‌سپارد: «گالان دانست اگر تا شام بگوید تا شام خواهد شنید، و اگر تلخ بگوید تلخ‌تر خواهد شنید و برای نخستین‌بار دانست که بهترین تیرانداز صحرا بودن، در برابر سولماز به هیچ‌کار نمی‌آید» (همان: ۱ / ۱۹).

در طول داستان هیچ گفت‌وگویی بین گالان و مادرش رخ نمی‌دهد. زنان حتی به‌عنوان مادر در این اجتماع بدوی اهمیتی ندارند. تنها مادر در این داستان، سولماز است که او هم هیچ ارتباط کلامی با پسرانش ندارد.

۴-۱-۲. سنت‌گراها (مخالفتان گالان)

۴-۱-۲-۱. گروه پیرمردهای سنت‌گرا

گالان، مردی را که از صحنه جنگ سالم برگردد و تا پیری سالم و تندرست بماند، مرد نمی‌داند و عقیده دارد چنین موجودی احترام‌پذیر و حتی ترحم‌پذیر هم نیست: سلام پیرمردها! خسته نباشید. آخر، وراجی آدم را خسته می‌کند. بایرام‌خان راست است

می‌گویند: مردها تا وقتی جوانند می‌جنگند و وقتی پیر شدند علیه جنگجوها توطئه می‌کنند؟
بایرام‌خان، در سکوت، برخاست تا وارد چادرش بشود. آه! ... حالا دیگر سلام را بی جواب
می‌گذاری پیری، سنگر خیلی خوبی است؛ چون هیچ جوانی دلش نمی‌آید به طرف این سنگر
تیر بیندازد، به جز گالان، که زره‌ای رحم توی وجودش نیست (همان: ۹۸ / ۱).

گالان با پدرش نیز همین رفتار را دارد و کمتر آغازگر سخن با پدر است. از میان ۶
دیالوگ بین آن‌ها، ۶۶ درصد را پدر، آن‌هم از موضع ضعف و با درخواست و تقاضا آغاز
کرده است. «سلام گالان! سلام یازی‌اوجا! انتظار نداشته باش بدترین لحظه‌های زندگی‌ام را
زود فراموش کنم و در سلام پیش‌قدم شوم» (همان: ۲۰۷ / ۱).

او لفظ «پدر» را برایش به‌کار نمی‌برد و هنگام سخن به او طعنه می‌زند. «یازی اوجا! بله
پسرم؟ خوش خبر باشی. صبحت به‌خیر پدر! خوب می‌خوری و می‌خوابی‌ها» (همان: ۲۰ / ۱).

هنگامی که یازی‌اوجا سخن را آغاز می‌کند، گالان طفره می‌رود و کوتاه و بی‌ربط پاسخ
می‌دهد:

یازی‌اوجا، عاقبت لرزان و مضطرب پرسید: برادرهایت کجا هستند؟ گالان زیر لب گفت: یک
زن خوب به یک اسب خوب می‌ارزد؛ اما انتقام برادرهایم را از گولان‌ها می‌گیرم. یازی اوجا،
با تمامی قدرت تحلیل‌رفته‌اش فریاد کشید: گالان! با بچه‌های من چه کردی؟ گالان، هیچ اعتنایی
نکرد، چرخید تا پا به درون چادر بگذارد (همان: ۶۳-۶۴ / ۱).

حتی گاهی پدر را لایق پاسخ‌گویی نمی‌داند: «بویان‌میش! ببین این یازی اوجای پیر چه
می‌گوید ...» (همان: ۲۱ / ۱).

۴-۱-۲-۲. گروه متحجرین

برخورد گالان و یاشولی حسن در دیالوگ نخستشان، نشان می‌دهد که گالان در موضع
قدرت قرار دارد: «من با تو حرف دارم. می‌خواهم ببیرمت به چادر بایرام و آن‌جا حرف بزنی.
کمی صبر کن، الان می‌آیم. من صبر ندارم. تو عجب ملای کم‌عقلی هستی که این را نمی‌دانی»
(همان: ۷۰ / ۱).

گالان حتی یاشولی را لایق هم‌کلامی با خود نمی‌داند و غیرمستقیم او را مخاطب قرار
می‌دهد: «چادر ملأ حسن را تا می‌توانید از چادر من دور کنید. در تیررس من نباشد، برای
خودش بهتر است. ما دو قطب اینچه برونیم. باید مثل همیشه رو به روی هم باشیم نه در

کنار هم» (همان: ۱ / ۱۹۴)

گالان و یاشولی ۸ بار با هم برخورد کلامی دارند؛ تنها یکبار یاشولی بحث را خاتمه داده است و آن هم زمانی است که نقشه‌اش را توضیح می‌دهد و سخن انتهایی، پذیرفتن شرط گالان است:

اگر یکروز بفهمم که کلکی در کارت بوده، خودت و پسرت را یکجا آتش می‌زنم و زنده زنده می‌سوزانم. یادت باشد که این حرف را گالان اوجا می‌زند شب خوش گالان اوجا! این شرط را می‌پذیرم و این حرف را هرگز فراموش نمی‌کنم (همان: ۱ / ۱۷۲).

گالان خود را موظف به رعایت اصول ادب نمی‌بیند؛ ولی یاشولی از موضع ضعف در مقابل توهین‌های او سکوت می‌کند. به‌کارگیری لفظ «ملاً» برای یاشولی، نوعی توهین و تحقیر نسبت به شخصیت متحجر اوبه است: «عجب ملاًای کم‌عقلی هستی»، «آهای ملاً!»، «بگو ملاً» و ...

گالان با «پیرمردها»، «متحجرین» و «قدرت‌های متمرکز» قبیله در ستیز است. پدر، یاشولی (ملا) و آق‌ویلر (کخدا)، به‌ترتیب نمایندگان این سه قشر هستند. میزان انفعال این گروه‌ها در ارتباط کلامی با قشر قدرتمند و نوجوی اوبه که گالان نماینده آن‌هاست، لمس‌کردنی است؛ زیرا میزان ارتباط کلامی گالان با این گروه، نسبت به جوانان، بسیار کم و نزدیک به نصف است. و تعداد چرخش دیالوگ بین او و هم‌فکرانش بیشتر است.

جدول ۱: دیالوگ گالان با گروه‌های اجتماعی

Table 1. Galan Dialogue with social groups

کل دیالوگ‌های گالان	جوانان و زنان	پیران و متحجرین	سایرین
۹۱	۵۱	۲۰	۲۰



نمودار ۱: نحوه دیالوگ گالان با دو گروه اجتماعی متضاد

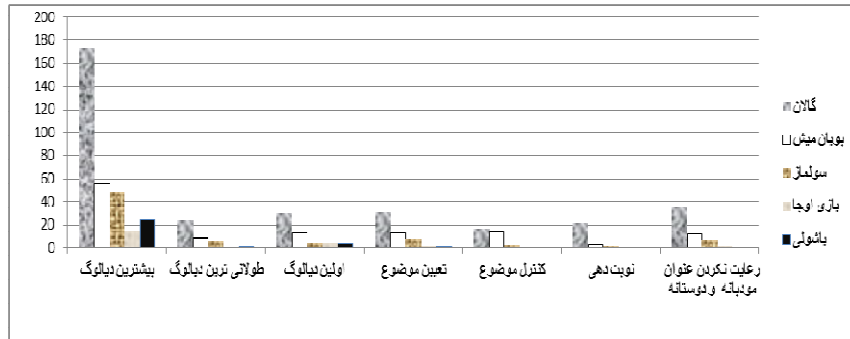
Diagram 1. How Galand's dialog are with two opposing social groups

گالان در صحبت با بویان‌میش (نماینده جوانان)، از ۵۹ بار دیالوگ، ۵۵ بار به او اجازه صحبت می‌دهد؛ ولی در ۳۷ بار که با یاشولی (نماینده متحجران) سخن می‌گوید، فقط ۱۳ بار به او نوبت می‌دهد.

جدول ۲: دیالوگ‌های گالان بر اساس پرسش‌های مایکل‌شورت

Table 2. Galan Dialog Table Based on Michael Short's Questions

پرسش‌های مایکل - شورت	گالان	بویان	گالان	سولماز	گالان	یازی	گالان	یاشولی	دیالوگ‌های گالان
بیشترین دیالوگ	۵۹	۵۵	۵۶	۴۹	۲۱	۱۴	۳۷	۱۳	۱۷۳
طولانی‌ترین دیالوگ	۷	۸	۸	۶	۵	۱	۴	۱	۲۴
اولین دیالوگ	۸	۱۳	۱۵	۴	۳	۴	۴	۴	۳۰
تعیین موضوع	۸	۱۳	۱۱	۸	۵	۲	۷	۱	۳۱
کنترل موضوع	۲	۱۴	۳	۳	۶	۱	۶	-	۱۷
نوبت‌دهی	۷	۳	۵	۲	۳	-	۷	-	۲۲
رعایت نکردن عنوان مؤدبانه	۱۵	۱۲	۹	۷	۴	۲	۸	-	۳۶

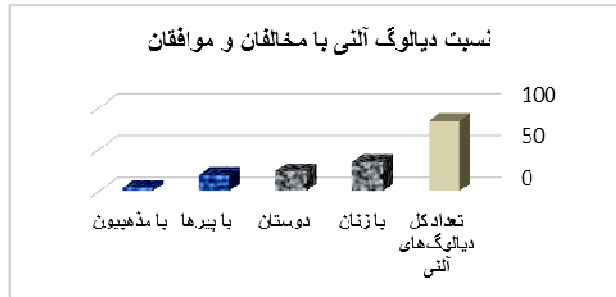


نمودار ۲: نحوه دیالوگ‌های گالان بر اساس پرسش‌های مایکل شورت

Diagram 2. How Gallant's dialogues are based on Michael Short's questions

۴-۲. دیالوگ آلفی با گفتمان‌های موافق و مخالف

آلفی مانند پدربزرگش، گفتمانی جدید را به هژمونی می‌رساند که موافقان و مخالفانی دارد. او که با کمک پدرش به شهر می‌رود تا پزشکی حاذق شود، علاوه بر جسم مردم، به دنبال نجات روحشان هم است و حتی در برابر پدر و عقاید کهنه‌اش و یا قلدری‌های مادرش و اسلحه‌کشی‌های گاه و بیگاه او می‌ایستد و به او می‌فهماند دوران زورگویی و استفاده از زور بازوی گالانی گذشته است. زنان و مردان جوان، بهترین دوستان و یاران او هستند؛ کسانی که هنوز وقت دارند دو فکر نو و کهنه را مقایسه و یکی را انتخاب کنند. برعکس جوانان، پیران خرافاتی و عادت‌کرده به اصول موروثی‌شان، نمی‌توانند او و اعتقادات نو و عجیبش را بپذیرند و به این خاطر یاشولی آیدین، از تعصبات کور مردم استفاده می‌کند تا آنان را در برابر گفتمان ترقی‌خواه آلفی قرار دهد.



نمودار ۳: نحوه دیالوگ آلنی با گروه‌های اجتماعی مخالف

Diagram 3. How Alni's dialogue are with Opposing Social Groups

۴-۲-۱. جوانان سنت‌شکن (هم‌فکران آلنی)

در این زمان نمی‌توان مانند دوران گالان، زنان و مردان جوان را جدا کرد؛ زیرا زنان جوان همچون مردان، با همان تعداد و قدرت فکری و اجتماعی در صحنه‌های مقابله با تفکر متحجر و منفی به مبارزه می‌پردازند.

یاماق، مارال، آرپاچی و آتمیش گروهی را تشکیل می‌دهند تا از آلنی در عبور از تنگه محافظت کنند. این‌ها بعد از ورود آلنی به گروهی تبدیل می‌شوند که هر کدام به‌نوبه خود با سنتی قدیمی و خرافی دست و پنجه نرم می‌کنند و افقی تازه را به‌روی مردم می‌کشایند. آلنی هرچند در ابتدا، محور این مبارزات است؛ ولی کم‌کم این محوریت را به گروه واگذار می‌کند و با این تفکر، هرروز دامنه اعضای این گروه افزایش می‌یابد. آلا، تاییلی، یمرلی، آیلر، باغداگل و ...، جوانانی هستند که کم‌کم، حتی از گروه مخالف به آن‌ها می‌پیوندند.

تمام تلاش آلنی در مردمی کردن جایگاه اندیشه و افکارش است. او از هیچ کوششی در افزایش سطح آگاهی مردم دریغ نمی‌کند. بیشترین ارتباط کلامی او با زنان و مردان کهن‌سال قبیله است. او ۸۴ بار، افراد را به‌صورت موردی خطاب می‌کند که ۳۵ بار آن را با زنان ارتباط کلامی ایجاد می‌کند (۱۴ درصد) که با توجه به تعداد کم زنان، این مکالمات حجم زیادی دارند. بیشتر زنان با خواست آلنی وارد دنیای داستان و شناخته می‌شوند (مارال و مادرش، مادر یاشا، خواهر آلتون، ساچلی، کعبه و ملان بانو).

زنان در زمان تسلط فکری آلنی، نه تنها امربر و منفعل نیستند؛ بلکه نقش محوری در حوادث

اصلی داستان ایفا می‌کنند. مثلاً هنگامی که پالاز، برادر بزرگ آلنی، می‌خواهد از اینکه برون خارج شود و به قبیله دشمن دیرینشان، گوگلان‌ها پناه آورد، کعبه، همسرش تنها زن بی‌حادثه داستان، آرام و بدون خشونت اشتباهات همسرش را به او گوشزد می‌کند:

پالاز! فکر نمی‌کنی اینچه برونی‌ها ... ممکن است به وجودت احتیاج پیدا کنند؟ چرا ... ممکن است، و ممکن است اصلاً احتیاجی نداشته باشند. من دوست ندارم بی‌دلیل کشته شوم، با دلیلی مبتذل. پالاز! می‌دانی اگر من آق‌اوایلر بودم، چه جوابی به تو می‌دادم؟ پالاز! از این‌جا نرو، برای کشته شدن، دلیل پیدا کن؛ دلیل خوب، نه مبتذل. (همان: ۲۰۴ / ۱).

زنان گاهی جلوتر از مردان تصمیم می‌گیرند: کمک مارال و ساچلی در نجات آرپاچی و کشتن آسیلان (ابراهیمی، ۱۳۷۵: ۳ / ۶۵ - ۶۷). کمک مارال در حفاظت از آلنی هنگام بازگشت آلنی به اوبه (همان: ۱۰۳ / ۳)، کمک مارال و ملان در حمله به یاشولی و طرح درخت‌کاری مارال که به مرگ آیدین منجر می‌شود (همان: ۲۴۴ / ۳) و اسلحه کشیدن ملان برای مقابله با یاشولی (همان: ۲۹۶ / ۳).

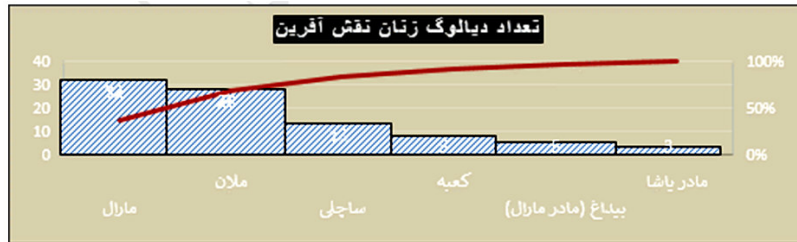
جدول ۳: نوع ارتباط کلامی زنان نزدیک به آلنی

Table3. The type of verbal communication of women close to Alni

مخاطب‌ها	تعداد	دیالوگ زنان
آلنی، یاشولی، یاشا، آی‌دوغدی، آق‌اوایلر، آتمیش، ساچلی، آرپاچی، یاماق، دردی محمد، بیداغ و ملان	۳۲	مارال
آلنی، مارال، آقشام‌گلن، آق‌اوایلر، آتمیش، بویان‌میش، یاشولی، قربان محمد	۲۸	ملان
آلنی، مارال، کعبه، بیداغ، آرپاچی، یاشا، آق‌اوایلر، بویان‌میش	۱۳	ساچلی
آلنی، ساچلی، پالاز، آتمیش، آرپاچی، آی‌دوغدی، یاماق	۸	کعبه
آلنی، مارال، دردی محمد، ساچلی و آرپاچی	۵	بیداغ
آلنی، یاشا و شیر محمد	۳	مادر یاشا

با گفتمان نواندیش آلنی، زنان سنت خانه‌نشینی و امربری را فراموش می‌کنند و برعکس مردان منفعل، داستان را هم به تفکر وا می‌دارند و به مخالفت با گفتمان خرافه‌پرست می‌کشانند. هر قدر زنان به آلنی نزدیک‌تر هستند، میزان ارتباط کلامی‌شان نیز افزایش می‌یابد. مارال (همسر)، ملان (مادر) و ساچلی (خواهر) بیشترین دیالوگ را دارند و بیشتر از زن‌ها، با مردان

دیالوگ دارند. آلتی نه تنها در گفت‌وگو با زنان پیشقدم است؛ بلکه آن‌ها را وادار به دیالوگ با دیگران می‌کند.



نمودار ۴: ارتباط کلامی زنان به نسبت نزدیکی با آلتی

Diagram 4. The verbal association of women in close proximity to Alni

۴-۲-۲. سنت‌گراها (مخالفان آلتی)

۴-۲-۲-۱. گروه پیرهای سنت‌گرا

خلاف جوانان، پیرترها به سختی با آلتی کنار می‌آیند. آن‌ها یا جانیشان را بر سر این‌کار می‌گذارند (پدر پالاز)، یا حاضر به مرگ فرزندانیشان می‌شوند (پدر یا شا). بویان‌میش و آی‌دوغدی و دردی محمد قید فرزندانیشان را می‌زنند و آن‌ها را که حالا عضوی از خانوادهٔ او جاها هستند، تنها و بی‌پشتیبان می‌گذارند. آلتی در دیالوگ با پیرمردها، قدرت و جسارت نسل جوان و نوجو را به نمایش می‌گذارد. او بدون ملاحظه و دور از آداب حاکم بر تفکرات اجتماعی، بر سر پیرها فریاد می‌کشد و با صدای بلند از افکار و اعتقاداتش دفاع می‌کند:

آلتی نعره کشید: آهای خان‌اوغلان بدبخت! من شفا می‌دهم؛ اما معجزه نمی‌کنم. معجزه کردن کار درخت مقدس است. برو پای درخت زانو بزن، گریه کن. حتماً چشم کورت را باز می‌کند. فهمیدی؟ من خیلی از دردها را نمی‌توانم خوب کنم؛ آن درخت مقدس است که می‌تواند همهٔ دردها را با معجزه شفا بدهد! اگر می‌توانی قلبت را صفا بده، برو پای درخت. خان‌اوغلان بدبخت! (همان: ۳ / ۳۳۲).

آلتی با پیران خرافاتی وارد گفت‌وگو می‌شود تا اگر پیرها توان یا قصد تغییر و ترقی ندارند، لاقط منطق کلامی‌اش جوانان را به خود بیاورد. آلتی از میان ۸۴ بار دیالوگ با شخصیت‌های داستان، ۱۹ بار (حدود ۲۲ درصد) با سال‌خوردگان داستان به گفت‌وگو پرداخته است که در

مقایسه با دیالوگ گالان با پیرها (۱۳ درصد)، تأمل کردنی است. آلنی، اگرچه مانند آرپاچی مستقیم قلب پدرش را نشانه نمی‌رود؛ ولی جلو او می‌ایستد و به تبیین اصول اعتقادی خود و نقد زندگی فئودالی پدر می‌پردازد:^{۱۱}

پدر! به‌راستی متأسفم تو گفتی: «مردی که گله‌هایش را مزدبگیران فقیر به‌چرا می‌برند، صاحب گله‌هایش نیست»، خود، هنوز هم خصلت زمین‌دارهای قدیمی را بروز می‌دهی ...! اما ... اما من همه زمین‌ها و گله‌هایم را بخشیده‌ام. این‌را می‌دانم پدر! و برای همین هم نگفتم زمین‌داری، گفتم خصلت‌های یک زمین‌دار را داری. میان یک جمع صد نفری از مردم عادی صحرا، می‌شود روی تو انگشت گذاشت. هیچ چیزت به مردم عادی نمی‌ماند: حرف زدن، فخر فروختن، سربالا گرفتنت، راه رفتنت، نگاه کردنت، خندیدنت، و مهم‌تر از همه این‌ها، طرز فکر کردنت، که دیگر روی آن انگشت هم نمی‌توان گذاشت (همان: ۱۷۱ / ۳).

۴-۲-۲. گروه متحجرین

فرق آلنی با گالان این است که او مایل به اصلاح مردم سنت‌پرست و خرافی است نه تحقیر آنان. بنابراین، با پیران خرافاتی گفت‌وگو می‌کند. در جایی که این ارتباط کلامی با متحجرین مردم‌فریب به حداقل می‌رسد. آلنی با یاشولی ۴ بار بیشتر صحبت نمی‌کند. طول گفت‌وگوها و نوبت‌گیری‌ها و حتی پایان و تعیین موضوع بحث، با آلنی است.

نسبت دیالوگ‌های گالان با یاشولی حسن ۴۰ درصد؛ ولی نسبت دیالوگ آلنی با آیدین کمتر از ۲۰ درصد است. البته، گاهی این مأموریت به دوستان آلنی داده می‌شود تا مبارزه اقلیت خرافی و اکثریت نواندیش را شکل دهد:

یاشولی دقیقه‌ای خیره و مبهوت برجا ماند و آن‌گاه بی‌آنکه جواب آی‌دوغدی را بدهد به‌سوی چادرش به‌راه افتاد. یاشولی چند قدم مانده به چادر، صدایی شنید. سلام یاشولی! یاشولی در تاریکی شب، مارال را شناخت. دیگر تمام شد یاشولی آیدین، همه چیز تمام شد. بی‌حیا! بی‌حیا!
(همان: ۳۰۶ / ۳).



نمودار ۵: ارتباط کلامی آلنی با دو گروه مخالف

Diagram 5. Alni's verbal communication with two opposing groups

۵. نتیجه

اگرچه مخاطبان گالان و آلنی بنا بر نوع ارتباطشان به دو دسته «روشنفکر» و «متحجر» تقسیم شده‌اند؛ ولی هر کدام از این دو شخصیت در نوع برخورد با این گروه‌های اجتماعی، تفاوت آن‌ها را نمایان می‌کند: ۱. گالان پیران و متحجرین را در یک گروه قرار می‌دهد و کمتر با آنان وارد دیالوگ می‌شود و به راحتی حرفشان را قطع می‌کند یا قبل از اتمام صحبت، صحنه را ترک می‌کند و به آن‌ها احترام نمی‌گذارد. حتی پدرش را با نام رسمی خطاب و از افکار و اعمال او انتقاد می‌کند. آلنی هرچند پیرمردها را مانند گالان در دسته‌بندی‌های خود زیر گروه افراد متحجر و عقب‌مانده فرض می‌کند؛ ولی برعکس گالان، پیران فریب‌خورده و ناآگاه را از متحجرین فریبکار جدا می‌کند و سعی در آگاه کردن آنان دارد. بنابراین، تعداد دیالوگ‌های آلنی با پیرمردان بیشتر از گالان است. هرچند میزان دیالوگ‌های آلنی با مخالفان یک درصد کمتر از گالان است، تعداد دیالوگ‌های او با پیرها ۹ درصد افزایش می‌یابد. خلاف گالان که با هیچ زنی به جز همسرش صحبت نمی‌کند،^{۱۲} آلنی در آگاه کردن زنان تلاش می‌کند. ۲. نکته مهم در این پژوهش، نوع حضور زنان در زمان گالان و آلنی است. هرچند در جلد اول تمامی حوادث داستان حول محور عشق گالان به سولماز می‌گردد، تعداد دیالوگ‌هایی که گالان با سولماز دارد بسیار کمتر از ارتباط کلامی با دوستش بویان‌میش است. به جز سولماز، زن دیگری در داستان حضور ندارد و گویی تمامی حوادث در محیطی عاری از زن رخ می‌دهد. قدرت اجتماعی فقط در انحصار مردان است و دیالوگ‌ها بین مردان رد و بدل می‌شود. سولماز سعی در

شکستن سنت‌های قبیله‌ای دارد؛ ولی باز هم جرئت ندارد پا را از حدی که گالان برایش تعیین می‌کند، فراتر بگذارد. گالان، سولماز را با نام قبیله‌اش (گوگلانی) و بعدها با نام پسرشان (مادر آق‌اویلر) خطاب می‌کند. آلی برعکس با خطاب قرار دادن زنان اطرافش، آنان را به درون داستان می‌کشد و به حضور در اجتماع دعوت می‌کند. زانی که به آلی نزدیک‌تر هستند، نقش بیشتری در خلق حوادث اطرافشان دارند. مثلاً پیشنهاد کاشت درختان متعدد برای بی‌ارزش کردن درخت مقدس، از زبان همسر آلی، شنیده می‌شود.^{۱۳} موقعیت اجتماعی زنان به‌حدی است که دیالوگ بین خود زنان کمتر از دیالوگ بین زنان و مردان قبیله است. ۸۳ درصد از دیالوگ‌های مارال با مردان صورت گرفته که بیش از ۹۰ درصد از آن به خواست او به پایان رسیده است. مادر آلی (نماینده نسل قیل) که هنوز از نیروی بدنی به‌جای سخن منطقی استفاده می‌کند، کم‌کم مجاب می‌شود اسلحه و چماق را کنار بگذارد و با نیروی کلام بر دشمن پیروز شود.^۳ آنچه قدرت آلی را از نوع قدرت گالان و تسلط بر اطرافیانش شاخص‌تر می‌کند، میزان دوام و ماندگاری این اقتدار است. هرچند گالان در تمام دیالوگ‌هایش موضوع را کنترل می‌کند و یاشولی نقش شخصیت منفعل و بی‌اراده را ایفا می‌کند، با این حال، بعد از مرگ گالان، یاشولی عرض اندام می‌کند و با جانشینی پسرش، یاشولی آیدین، می‌تواند اقتدار گفتمان خود را تثبیت کند. آلی، گرچه خلاف گالان، از ابتدا با اقبال عمومی روبه‌رو نمی‌شود؛ ولی با تلاش، اقتدار گفتمان تثبیت‌شده یاشولی را می‌شکند و به‌مرور زمان گفتمان خود را جایگزین آن می‌کند. آلی با اندیشه‌ای خلاق و منحصر به فردش، سعی می‌کند علاوه بر جوانان، با فریب-خوردگان وارد مذاکره شود تا جبهه مخالف را تضعیف کند. در انتهای جلد سوم، مردم با هم‌فکری بر یاشولی آیدین غلبه می‌کنند. قدرت آلی در بین مردم تکثیر می‌شود و سالیان بعد از مرگش، پیروانش به اشاعه اندیشه او می‌پردازند.^{۱۴}

۶. پی‌نوشت‌ها

۱. یکی از عوامل شناخت شخصیت در متون انتقادی، بهره‌گیری از دیالوگ شخصیت‌هاست: برای شخصیت‌پردازی غیرمستقیم از این عوامل می‌توان یاری جست: ۱. کنش، ۲. گفتار، ۳. نام، ۴. محیط، ۵. وضعیت ظاهری (اخوت، ۱۳۷۱: ۱۴۱-۱۴۲). «گفت‌وگو یکی از عناصر مهم داستان است،

2. use theory of language

۳. نزدیک به بیست اثر به صورت کتاب، مقاله و پایان‌نامه به صورت مستقیم به بررسی این رمان پرداخته‌اند.

۴. نک: Fairclough, 1989: 5.

۵. پرسش‌های بررسی سطح ساختار متن: از کدام قراردادهای تعاملی استفاده شده است؟ آیا روش‌هایی وجود دارد که به کمک آن‌ها، یک مشارک نوبت سخن گفتن دیگران را کنترل کند؟ متن واجد چه نوع ساخت‌های گسترده‌تری هست؟ (فرکلاف، ۱۳۷۹: ۱۶۷-۱۷۱).

۶. برای اطلاعات بیشتر نک: Grice, 1975: 50

7. interaction

8. Language and Power

9. Exploring the Language of Poems, Plays and Prose

۱۰. نک: ابراهیمی، ۱۳۷۵: ۱ / ۱۰۰، ۱۳۷.

۱۱. البته این فقط آلتی نیست که چنین رویه‌ای را پیش گرفته است. پالان، مارال و ساچلی و ... هر کدام، در برابر سنت‌های غلط و سنت‌پرستان می‌ایستند. یاشا که قرار است جوانی سنت‌شکن شود از نوجوانی در برابر یاشولی آیدین می‌ایستد و خلاف همه مردم، با اوچاها حرف می‌زند و به آلتی سلام می‌کند.

۱۲. به جز سولماز، تنها زنی که در داستان وارد می‌شود و با گالان صحبت می‌کند، زن قابله‌ای است که به گالان مژده می‌دهد که فرزندش پسر است.

۱۳. با کاشتن صدها درخت در کنار درخت مقدس، اُبهت و جبروت درخت شکسته می‌شود و نقشه‌های یاشولی آیدین برای گرفتن نذری مردم به نام درخت مقدس خنثا می‌شود.

۱۴. در انتهای رمان بعد از کشته شدن آلتی، فرزندان شخصیت‌های مذهبی داستان در حال تبلیغ عقاید و ایدئولوژی آلتی هستند.

۷. منابع

- آقا گل‌زاده، فردوس (۱۳۹۰). تحلیل گفتمان انتقادی: تکوین تحلیل گفتمان در زبان-شناسی. تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.

- _____ و همکاران (۱۳۹۵). «تحلیل زبان‌شناختی گفتمان‌های رقیب در پرونده بوریس‌های تحصیلی: رویکرد تحلیل گفتمان انتقادی فرکلاف». *جستارهای زبانی*. ش ۶ (پیاپی ۳۴). صص ۳۹۱ - ۴۱۴.
- ابراهیمی، نادر (۱۳۷۵). *آتش بدون دود*. ج ۷. تهران: روزبهان.
- اخوت، احمد (۱۳۷۱). *دستور زبان داستان*. اصفهان: نشر فردا.
- احمدی، اصغر و همکاران (۱۳۹۳). «تحلیل گفتمان سیاسی رمان "تنگسیر" صادق چوبک». *مطالعات فرهنگی و ارتباطات*. ش ۳۶. صص ۹۵ - ۱۲۹.
- بهبهانی، مرضیه و همکاران (۱۳۹۲). «بررسی و تحلیل انتقادی گفتمان رمان "سگ و زمستان بلند"». *مطالعات داستانی*. س ۱. ش ۴. صص ۵ - ۲۲.
- پارسی‌نژاد، کامران (۱۳۸۷). *نقد ادبیات منطبق با حقیقت*. تهران: خانه کتاب.
- پایا، علی (۱۳۸۱). *گفت‌وگو در جهان واقعی*. تهران: طرح نو.
- خراشاهی، عذرا (۱۳۹۰). «بررسی عناصر داستانی: رمان "آتش بدون دود" نادر ابراهیمی». *پایان‌نامه*. رشته زبان و ادبیات فارسی: دانشگاه پیام‌نور بجنورد.
- سرل، جان‌آر (۱۳۸۵). *افعال گفتاری*. ترجمه محمدعلی عبداللهی. تهران: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
- علوی مقدم، مهیار و شهرام سوسن‌پور (۱۳۹۰). «نقد و تحلیل ساختار و عناصر داستانی رمان "آتش بدون دود"». *بهار ادب*. س ۴. ش ۳. صص ۲۵۵ - ۲۶۶.
- فرخی، فرشته (۱۳۹۴). «بررسی شخصیت و جایگاه اجتماعی زنان در رمان "آتش بدون دود"». *پایان‌نامه*. رشته زبان و ادبیات فارسی: دانشگاه آزاد کرمانشاه.
- فرکلاف، نورمن (۱۳۷۹). *تحلیل انتقادی گفتمان*. ترجمه فاطمه شایسته و همکاران. تهران: زمانه.
- قاسم‌زاده، سیدعلی و مصطفی گرجی (۱۳۹۰). «تحلیل گفتمان انتقادی رمان "دکتر نون زنش را بیشتر از مصدق دوست داشت" نوشته شهرام رحیمیان». *ادب پژوهی*. ش ۱۷. صص ۳۳ - ۶۳.
- قبادی، حسینعلی و همکاران (۱۳۸۸). «تحلیل گفتمان غالب در رمان "سووشون" سیمین دانشور». *نقد ادبی*. ش ۶. صص ۱۴۹ - ۱۸۳.

- قبادی، حسینعلی و فردوس آقاگل‌زاده (۱۳۹۰). «تحلیل گفتمانی جزیره سرگردانی و پیوند معنایی آن با دیگر رمان‌های سیمین دانشور». *ادب پژوهی*. ش ۱۵. صص ۳۵ - ۵۷.
- قربانی جویباری، کلثوم (۱۳۹۴). «بازنمود هویت زنانه در مجموعه داستان " حتی وقتی می‌خندیم " فریبا وفی با رویکرد تحلیل انتقادی گفتمان فرکلاف». *زبان و ادبیات فارسی*. ش ۷۹. صص ۲۱۹ - ۲۴۵.
- گرجی، مصطفی (۱۳۹۱). «نخستین داستان سیاسی پس از انقلاب اسلامی: بررسی و تحلیل گفتمان داستان "سلول ۱۸" از علی‌اشرف درویشیان». *پژوهشگاه علوم انسانی جهاد دانشگاهی*. ش ۱۸. صص ۳۲ - ۵۶.
- گریوانی، نسرين (۱۳۹۲). «گفت‌وگو و لحن در رمان "آتش بدون دود" نادر ابراهیمی». *پایان‌نامه*. رشته زبان و ادبیات فارسی: دانشگاه آزاد شیروان.
- محمودی بختیاری، بهروز و نرگس حکمت (۱۳۹۱). «برآیند قدرت شخصیت در نمایشنامه (با تکیه بر سنجش قواعد نوبت‌گیری در نمایشنامه "وای بر مغلوب")». *بهار ادب*. س ۵. ش ۱. صص ۳۱۳ - ۳۲۷.
- محمودی بختیاری، بهروز و سید مصطفی حسینی (۱۳۹۱). «بررسی نوبت‌گیری و کنش‌های گفتاری در نمایشنامه "آهسته با گل سرخ" با تکیه بر مطالعات سبک‌شناسی درام». *هنرهای نمایشی و موسیقی*. د ۱۷. ش ۲. صص ۵۳ - ۶۰.
- مقصودی گنجه، امیدعلی (۱۳۹۰). «بررسی شخصیت‌پردازی در مجموعه "آتش بدون دود"». *پایان‌نامه*. رشته زبان و ادبیات فارسی: دانشگاه شهرکرد.
- میرصادقی، جمال (۱۳۸۳). *عناصر داستان*. تهران: سخن.
- میرفخرایی، تژا (۱۳۸۳). *فرایند تحلیل گفتمان*. تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه.
- یورگنسن، ماریان و لوئیز فیلیس (۱۳۸۹). *نظریه و روش در تحلیل گفتمان*. ترجمه هادی جلیلی. تهران: نشر نی.
- یول، جورج (۱۳۸۷). *کاربرد شناسی زبان*. ترجمه محمد عموزاده مهدیرجی. تهران: سمت.

References:

- Agha Golzadeh, F. (2011). *Critical Discourse Analysis: The Evolution of Discourse Analysis in Linguistics*. Tehran: Scientific and Cultural Company [In Persian].
- ----- et. al. (2016). "The linguistic analysis of competitive discourses in the case of scholarships: The crisis discourse analysis approach by Fairclough". *Language Related Research*. No. 6. Pp. 391-414 [In Persian].
- Ahmadi, A. et. al. (2014). "Political discourse analysis of *Tangsir* the novel written by Sadegh Chubak ". *Journal of Cultural and Communication Studies*. No. 36. Pp 95- 129 [In Persian].
- Alavi Moghadam, M. & Sh. Sousanpour (2011). "Criticism and analysis of the structure and elements of the Novel *Fire without Smoke* ". *Quarterly Spring Literature*. No. 4. Pp. 255-266. [In Persian].
- Attewell, P. (1974). *Ethnomethodology since Garfinkel*. In *Theory and Society*. Amestrדם: Elever Scientific Publishing co.
- Behbahani. M. et. al. (2013). " Analysis and critical analysis of the discourse of the novel: *Dog and Long Winter*". *Journal of Fictional Studies*. No. 4. Pp. 5-22[In Persian].
- Ebrahimi, N. (1996). *Fire Without Smoke*. Tehran: Roozbehan [In Persian].
- Fairclough, N. (1989). *Language and Power*. London: Longman.
- ----- (2000). *Critical Discourse Analysis*. Translated by Fatemeh Shayesteh and others. Tehran: Zamaneh Publishing House. [In Persian].
- Farrokhi, F. (2015). "A Survey on the personality and social position of Women in the *Fire without smoke* Novel". Thesis: Kermanshah Azad University. [In Persian].
- Ghasemzadeh, S & M. Gorji (2011). "Critical Discourse Analysis novel *doctor noon loved Mossadegh more than his wife*. Written by Shahram Rahimian"*Journal of Adab pazhuhi*. No. 17. Pp. 33-63. [In Persian].

- Ghobadi, H. & F. Aghagolzadeh (2011). "The discursive analysis of the wandering island and its semantic transplantation with other novels of Simin Daneshvar". *Journal of Adab pazhuhi*. No. 15. Pp. 35-57. [In Persian].
- ----- et. al. (2009). "The dominant discourse analysis in novel *Suhoushon* written by Simin Daneshvar". *Quarterly Literary Criticism*. No. 6. Pp. 149-183 [In Persian].
- Ghorbani Joybari, Kh. (2015). Representation of feminine identity in the Fariba Wafi's storyline *Even when we laugh* with the Fairclough's Critical Discourse Analysis. *Persian language and literature*. No. 79. Pp. 219-245. [In Persian].
- Gorji, M. (2012). "The first political story after the Islamic Revolution: Investigating and analyzing the discourse of story *cell 18* written by Ali Ashraf Dervishan". *Institute for Humanities (SID)*. No. 18. Pp. 32-56. [In Persian].
- Grice, H. P. (1975). *Logic and Conversation*. In *Syntax and Semantics*. Vol. 3. Speech Acts. Eds.
- Grivani, N. (2013). *Dialogue and tune in the Novel of Fire without smoke* written by Nader Ebrahimi. Thesis: Shirvan Azad University [In Persian].
- Jorgensen, M. & L. Philips (2010). *Discourse analysis as theory and method*. Translation by Hadi Jalili. Tehran: Reed (Ney) Publishing [In Persian].
- Khorashahi, O. (2011). "A Study of story elements: *Fire without smoke* Novel written by Ebrahimi". Thesis: Payam Noor University of Bojnourd. [In Persian].
- Maghsoudi Ganjeh, O. (2011). *Exploring personality in the Novel of Fire without smoke*. Thesis: Shahrekord University. [In Persian].
- Mahmoudi Bakhtiari, B. & N. Hekmat (2012). "The resultant strength of character in the drama (By relying on the assessment of the turning talking in the play *Woe to the defeated*." *Quarterly Spring Literature*. No. 1. Pp. 313-327. [In Persian].
- Mahmoudi Bakhtiari, B. & S. M. Hoseini (2012). "Investigating the turning talking and Speech Acts in play *Slow with rose* Based on the stylistics of drama" *Magazine of Performing Arts and Music*. No. 2. Pp. 53-60. [In Persian].

- Mirfakhraei, T. (2004). *Discourse Analysis Process*. Tehran: Media Studies and Research Center. [In Persian].
- Mirsadji, J. (2004). *Story Elements*. Tehran: Sokhan Publication. [In Persian].
- Okhovat, A. (1992). *Story Grammar*. Esfahan. Farda. [In Persian].
- Parsinejad, K. (2008). *Criticism of Literature Corresponding to the Truth*. Tehran: Book House Publishing [In Persian].
- Paya, A. (2002). *Conversation in Real World*. Tehran: Tarhe No [In Persian].
- Short, M. (1996). *Exploring the Language of Poems, Plays and Prose*. New York: Longman.
- Searle, John R. (2006). *Verbal verbs*. Translation by Mohammad Ali Abdollahi. Tehran: Institute of Islamic Sciences and Culture. [In Persian].
- Yule, G. (2008). *Pragmatics*. Translation by Mohammad Amozadeh Mahdiriji. Tehran: SAMT [In Persian].